

نگاهی به مجله‌ی «پیک سعادت نسوان»

ناصر رحیم‌خانی - هدیه‌ی ۸ مارس



در این هنگام که پرده‌های سیاه‌بختی و هزار گونه عوامل تیره‌روزی، سد بزرگی در برابر ترقیات نسوان گردیده... ما هم بنوبه خود خامه ناتوان را بدست گرفته‌ایم که تا حد امکان عوامل و وسایل تیره‌روزی را نشان داده، اصلاحات اساسی آن‌ها را خواستار شویم. مجله ما نیز خود را برای مبارزه اجتماعی تجهیز نموده، در سلک مطبوعات عالم نسوان ایران... مجله شمع ضعیفی است که در راه ترقی و سعادت نسوان گذاشته می‌شود و امیدوار است قدم‌های سریعی در راه تعالی و نجات و حقوق مدنی نسوان به پیش بردارد.

مجله‌ی «پیک سعادت نسوان»، چهارمین نشریه‌ی زنان است که بیرون از تهران، پا گرفته‌اند. نشریه‌ی «زبان زنان» در اصفهان منتشر شد در هزار و دویست و نود و هشت (۱۲۹۸) خورشیدی، «جهان زنان» در مشهد به سال هزار و دویست و نود و نه (۱۲۹۹) خورشیدی و «نسوان شرق» در بندر انزلی در هزار و سیصد و پنج (۱۳۰۵) خورشیدی. سال بعد، با انتشار مجله‌ی «پیک سعادت نسوان» در مهرماه هزار و سیصد و شش (۱۳۰۶) خورشیدی، گیلان و گیلانیان با دومین نشریه‌ی زنانه‌ی آن دیار آشنا می‌شوند.

مجله‌ی «پیک سعادت نسوان»، هشتاد و پنج سال پیش در شهر رشت پایه‌گذاری شد؛ به مدیریت بانو روشنگر نوع‌دوست و همکاری شماری از زنان روشنفکر گیلان.

نخستین شماره‌ی مجله‌ی «پیک سعادت نسوان» در پانزدهم مهر ماه هزار و سیصد و شش خورشیدی چاپ شد و به دست خوانندگان علاقمند رسید. مجله، هر دو ماه یک بار، به صورت دو ماه‌نامه منتشر می‌شد. درباره‌ی زنان همکار مجله، در نخستین شماره‌ی مجله، چنین می‌خوانیم: «این مجله به قلم و آثار فکری جمعی از خانم‌های حساس و معارف‌پرور گیلان اداره خواهد شد». فخر عظمی ارغون، اشرف قائم مقامی، سرور (مهکامه) محمص، جمیله صدیقی و شوکت روستا در شمار همکاران و هیئت تحریریه‌ی «مجله‌ی پیک سعادت نسوان» بودند. مجله، خود را از «کمک نویسندگان محترم» و عموم «خواتین منورالفکر»، ب‌نیاز ندانسته

بود. مجله، واژه‌ی «منورالفکر»، ابداعی مترجمان و نویسندگان طلّیعی جنبش مشروطه‌خواهی را بکار می‌برد. مفهومی برساخته در آغازه ی آشنائی با مفهوم های عصر روشنائی فرانسه. بدین ترتیب «مجله‌ی پیک سعادت نسوان»، «زنان روشنفکر» زمانه‌ی خود را به همکاری فرامی‌خواند و نوید می‌داد که نوشته‌های زنان روشنفکر در «اطراف آمال و ایده‌آل قلبی کارکنان و مرام مجله» را چاپ کند و «به معرض افکار و استفاده عامه» بگذارد. اما «آمال و ایده‌آل» و «مرام» مجله‌ی «پیک سعادت نسوان» چگونه بیان شده بود؟ بانو روشنگر نوع‌دوست، در همان نخستین شماره و در سرسخن مجله، زیر عنوان «بیان مقصود»، چنین نوشته است: «در این هنگام که پرده‌های سیاه‌بختی و هزار گونه عوامل تیره‌روزی، سد بزرگی در برابر ترقیات نسوان گردیده... ما هم بنوبه خود خامه ناتوان را بدست گرفته‌ایم که تا حد امکان عوامل و وسایل تبه‌روزی را نشان داده، اصلاحات اساسی آن‌ها را خواستار شویم. مجله ما نیز خود را برای مبارزه اجتماعی تجهیز نموده، در سلک مطبوعات عالم نسوان ایران... مجله شمع ضعیفی است که در راه ترقی و سعادت نسوان گذاشته می‌شود و امیدوار است قدم‌های سریعی در راه تعالی و نجات و حقوق مدنی نسوان به پیش بردارد».

روشنگر نوع‌دوست، مجله‌ی «پیک سعادت نسوان» را این‌گونه شناساند که «قسمت مهم و جزء اعظم آن مربوط به جامعه نسوان می‌باشد؛ در برگیرنده نوشته‌های اخلاقی، ادبی، اجتماعی و تاریخی».

از میان مردان یار و همکار مجله، از اهل قلم و فرهنگ، سعید نفیسی، کریم کشاورز، م. جودی، شناخته شده‌اند. م. جودی، همان میرزا محمدخان رئیس اداره‌ی پست لنگرود است، گیله مردی فرهنگ پرور و خوشنام، اهل شعر و شاعری. کریم کشاورز با نام مستعار «فاطمه»، مقاله‌هایی برای مجله‌ی «پیک سعادت نسوان» می‌فرستاد. کریم کشاورز، خود پس از گذشت پنجاه سالی از آن همکاری قلمی، یعنی در سال هزار و سیصد و پنجاه و پنج خورشیدی و در کتاب «فی مدة المعلومه»، این همکاری قلمی را آشکار کرده است.

در نخستین شماره‌ی مجله، بر اهمیت آموزش دختران و نیاز به تاسیس مدرسه‌های دخترانه تاکید شده بود. دانسته است که ده سالی پیش از راه‌اندازی مجله‌ی «پیک سعادت نسوان»، روشنگر نوع‌دوست، مدرسه‌ی دخترانه‌ی «سعادت نسوان» را تاسیس کرده بود در سال هزار و دویت و نود و شش (۱۲۹۶) خورشیدی. مدرسه‌ای چهار کلاسه و در شمار نخستین مدرسه‌های دخترانه‌ی گیلان. در این مدرسه، کلاس اکابر زنانه برپا شد؛ به مدیریت سرور (مهکامه) محمص و بیش از صد (۱۰۰) زن گیلگ آموزش

دیدند. این همه اما، سهل و آسان بدست نیامده بود، با ایستادگی و سخت‌کوشی و در زمانه‌ای به دست آمده بود که کهنه‌اندیشان آن دیار، بانو فرزانه نیکروان، مدیر دبستان آذرمدخت را تکفیر کردند، آزار دادند، به مدرسه‌اش سنگ انداختند و در و پنجره‌ی مدرسه را شکستند و باز اینهمه در حالی که پدر فرزانه نیکروان خود از بازرگانان شناخته شده‌ی شهر رشت بود. سختی بدست آوردن پروانه تاسیس مدرسه دخترانه از اداره‌ی معارف بجای خود، اجاره‌ی محل و ساختمان مدرسه هم برای زنان دشوار بود. روشنگر نوع‌دوست که با پشتیبانی و به اعتبار پدر، ساختمان مدرسه را اجاره کرده بود، با کوشش بسیار توانست پروانه‌ی تاسیس مدرسه‌ی دخترانه‌ی شش کلاسه را هم بدست آورد در سال هزار و سیصد و دو (۱۳۰۲) خورشیدی. بدین ترتیب، هنگام راه‌اندازی مجله‌ی «پیک سعادت نسوان» در سال هزار و سیصد و شش (۱۳۰۶) خورشیدی، بانو روشنگر نوع‌دوست، پیشینه و اندوخته‌ی آموزشی و تجربی پرباری دارد در شناخت دشواری‌های برسر راه دگرگون کردن موقعیت زن ایرانی/گیلانی در این زمینه و دیگر زمینه‌های اجتماعی و سیاسی. در نخستین شماره‌ی «پیک سعادت نسوان»، م. جودی مقاله‌ای دارد با عنوان «زن در جامعه ما». لاف و گزاف یکی از «رجال» مدعی طرفداری از آزادی را، این گیله‌مرد شاعر شوخ، چنین پاسخ می‌دهد: «ملتی که با زنان خود مثل بهائم و جانوران وحشی معامله کند، حق دعوی آزادی‌خواهی ندارد.»



در شماره‌ی دوم، سعید نفیسی، مقاله‌ای نوشته است با عنوان «سهم مادرها در ترقی و تجدد ایران». اگر بخواهیم با در نظر داشت این گزاره‌ی سعید نفیسی، سخنی بگوئیم درباره «سهم» خود زنان روشنفکر یا «خواتین منورالفکر» مجله‌ی «پیک سعادت نسوان»، آنگاه گذشته از «سهم» زنانه‌ی خودشان در کوشش‌های فکری و قلمی و تلاش عملی در راه «ترقی» و «تجدد»، درباره‌ی «سهم» مادرانه‌ی آنها در «ترقی» و «تجدد» هم، می‌توان به راستی به اشاره‌ای کوتاه بسنده کرد و گفت و گذشت که فخرعظمی ارغون، مادر سیمین‌بر خلیلی (سیمین بهبهانی) است و سرور (مهکامه) محمص، مادر اردشیر محمص، و نیازی نیست به کیل و پیمان‌های بازارچه‌ی آوازگری‌های سیاسی برای سنجیدن «سهم» سیمین بهبهانی شاعر و «سهم» اردشیر محمص کاریکاتوریست آزاد از هرچه رنگ تعلق، در ترقی فرهنگ و هنر تجددگرایانه‌ی ایران.

در شماره‌ی سوم مجله‌ی «پیک سعادت نسوان»، در مقاله‌ای با عنوان «زن و مرد»، نابرابری اجتماعی زن و مرد نقد می‌شود. نویسنده، با امضای

پ. ا، نسبت دادن این نابرابری‌ها به تفاوت جسمی زن و مرد را «عقیده‌ی طفلانه» می‌داند.

در شماره‌ی چهارم، شعر بلندی چاپ شده است در نقد «صیغه» با عنوان «در عاقبت صیغه‌روی» با امضای م. شیدوش.

مجله‌ی «پیک سعادت نسوان»، برپایه‌ی سرشت و حوزه‌ی کار و کوشش خود، نگاهی و علاقه‌ای دارد به کوشش‌های جنبش‌های برابری‌خواهانه‌ی زنان در «جوامع اسلامی» و همسایه، ترکیه‌ی جوان، افغانستان، مصر، مدانیم زنان برابری‌خواه مصر، هدا شعراوی، سزا نبراوی، بناویه موسی، در بازگشت از گردهمائی فمینیستی رُم، در برابر صدها زن و مرد استقبال کننده در ایستگاه راه آهن قاهره، حجاب برداشتن در سال هزار و نهصد و بیست و سه (۱۹۲۳) میلادی.

مجله‌ی «پیک سعادت نسوان»، در شماره‌ی چهار و پنج (۴ و ۵) اردیبهشت ماه و تیرماه هزار و سیصد و هفت (۱۳۰۷) خورشیدی، دو نوشته درباره‌ی افغانستان، چاپ کرده است. «اوضاع زنان در افغانستان» و «خلاصه‌ی مصاحبه با علیاحضرت ملکه ثریا». در این مصاحبه، ملکه ثریا، ملکه‌ی افغانستان به پرسش خبرنگار غربی درباره‌ی حجاب اسلامی پاسخ می‌دهد. مصاحبه از نشریه‌ی اروپائی، ترجمه شده است و به مناسبت سفر امان‌الله خان پادشاه افغانستان و همسرش ملکه ثریا به ایران و دیدار با رضاشاه چاپ شده است. «ثریا طرزی»، در سوریه به دنیا آمد در خانواده‌ای از خاندان‌های حکومت‌گر و اصلاح‌طلب افغان، آن زمان تبعیدی در سوریه. فارسی و عربی و ترکی و فرانسه را در سوریه آموخت. با آغاز دوره‌ی اصلاحات تجددگرایانه‌ی امان‌الله خان در هزار و سیصد و پنج (۱۳۰۵) خورشیدی، ثریا طرزی، ملکه ثریا، نقش موثری داشت در برنامه‌های آموزش دختران، در نقد چند همسری، و در نقد حجاب و برقع. در سفر سال هزار و سیصد و هفت (۱۳۰۷) خورشیدی به ایران، و در دیدار با رضا شاه و درباریان پهلوی، ملکه ثریا، بدون حجاب در این دیدارها حضور دارد. در واقع ده سالی پیش از «کشف حجاب» اجباری رضاشاه، ثریا طرزی، زن زیرک و زیبای افغان، خود بدست خود حجاب از چهره برداشته است با آگاهی خود و به اراده‌ی خود.

مجله‌ی «پیک سعادت نسوان» در این نگاه و چشم داشتن به کوشش‌های برابری‌خواهانه‌ی زنان شرق، تنها نبود. پیش از «پیک سعادت نسوان»، مجله‌ی «فرهنگ رشت»، گزارشی روشنگر درباره‌ی «زنان مصر و مختصری از اوضاع اجتماعی آن‌ها» چاپ کرده بود؛ در بهمن ماه هزار و سیصد و

چهار (۱۳۰۴) خورشیدی.

مجله‌ی «پیک سعادت نسوان» در واقع، دهمین نشریه‌ی ویژه‌ی زنان است از پس انقلاب مشروطه‌ی ایران.

مجله‌ی «پیک سعادت نسوان»، چهارمین نشریه‌ی زنان است که بیرون از تهران، پا گرفته‌اند. نشریه‌ی «زبان زنان» در اصفهان منتشر شد در هزار و دویست و نود و هشت (۱۲۹۸) خورشیدی، «جهان زنان» در مشهد به سال هزار و دویست و نود و نه (۱۲۹۹) خورشیدی و «نسوان شرق» در بندر انزلی در هزار و سیصد و پنج (۱۳۰۵) خورشیدی. سال بعد، با انتشار مجله‌ی «پیک سعادت نسوان» در مهرماه هزار و سیصد و شش (۱۳۰۶) خورشیدی، گیلان و گیلانیان با دومین نشریه‌ی زنانه‌ی آن دیار آشنا می‌شوند.

می‌دانیم در طلّیعی جنبش مشروطه‌خواهی، بعد در زمانه‌ی سر برآوردن جنبش جنگل، سپس‌تر در هنگامه‌ی رویدادهای جنگ اول جهانی، توفان انقلاب اکتبر، پایه‌گذاری فرقه‌ی کمونیست ایران، تکاپوی گرایش‌ها و گروه‌های سیاسی، در همه‌ی این دوره‌ها و دگرگونی‌ها، گیلان نیز همچون آذربایجان، کانون کوشش‌های تجددخواهانه، آزادی‌خواهانه و عدالت‌جویانه است.

در تیرماه هزار و دویست و نود و شش (۱۲۹۶) خورشیدی، گروهی از جوانان با ذوق که «خدمت به عالم معارف» را در نظر داشتند، «جمعیت فرهنگ» را تشکیل دادند در شهر رشت. «جمعیت فرهنگ رشت» در هزار و دویست و نود و هشت (۱۲۹۸) خورشیدی مجله‌ی «فرهنگ» را منتشر می‌کند. حسین جودت از پایه‌گذاران «جمعیت فرهنگ رشت» است و در ارتباط با فرقه‌ی کمونیست ایران. شماری از کوشندگان «جمعیت فرهنگ رشت» از نویسندگان و همکاران بعدی مجله‌ی «پیک سعادت نسوان» می‌شوند. م. جودی، نویسنده‌ی مقاله‌ی «زن در جامعه ما»، از اعضای «جمعیت فرهنگ رشت» بود.

اما پیرامون پیوند «جمعیت فرهنگ رشت» با تشکلهای و جمعیت‌های زنان در گیلان، و چند و چون مناسبات تشکیلاتی یا سیاسی آنها، آگاهی‌ها، چندان روشن و دقیق نیستند. در میان چند انجمن زنان در گیلان، «جمعیت پیک سعادت نسوان»، سر آمد انجمن‌ها بود و در سال هزار و سیصد (۱۳۰۰) خورشیدی یا سالی بعد شکل گرفت. همین جمعیت است که برای نخستین بار جشن روز هشت (۸) مارس را در رشت و انزلی برگزار می‌کند، به آموزش دختران و زنان همت می‌گمارد، گروه تئاترال زنانه

تشکیل می‌دهد واز کشف حجاب و آموزش فکر و فرهنگ بانوان سخن می‌گوید. روشنگر نوع‌دوست در این «جمعیت پیک سعادت نسوان» حضور موثر دارد. می‌توان دید که «جمعیت فرهنگ رشت» در گرایش زنان پیشروی گیلک به کنش اجتماعی و پوییش «راه تعالی و نجات و تثبیت حقوق مدنی نسوان» نقشی انکار ناپذیر داشت. رضا روستا، عضو فرقه‌ی کمونیست ایران درباره‌ی چگونگی نقش «جمعیت فرهنگ رشت» و تاثیر آن بر انجمن‌های زنان گیلان، می‌گوید: «در نتیجه‌ی کار این مجمع (فرهنگ) بین بانوان، عده‌ای از بانوان گیلان به ابتکار روشنگر خانم و جمیله صدیقی و سکینه شبرنگ به تشکیل جمعیت پیک سعادت نسوان مبادرت ورزیدند و برای بیداری زنان و دوشیزگان دست به تشکیل مدرسه سعادت و مجله پیک سعادت زدند».

مجله‌ی «پیک سعادت نسوان»، در مرداد ماه هزار و سیصد و هفت (۱۳۰۷) خورشیدی روبه‌روست با بازخواست ناظر شرعیات وزارت معارف و اوقاف درباره‌ی فرستادن نسخه‌ی مجله به آن اداره برای تشخیص «عدم تخالف آن با اصول و فروع مذهب». رئیس معارف و اوقاف گیلان، علی محمد مولوی، بانو روشنگر نوع‌دوست را فرامی‌خواند برای پرسش از امری که ناظر شرعیات وزارت معارف پیگیری قانونی آن را خواستار شده بود. روشنگر نوع‌دوست به آگاهی علی محمد مولوی می‌رساند که همه‌ی «نمرات مجله را مستقیماً به وزارت جلیله متبوعه ایفاد نموده است» اما «حسب‌الامر، مجدداً شماره‌های آن را (۱ الی ۵) تلواً تقدیم می‌نماید» پس از شماره‌ی ششم، انتشار مجله‌ی «پیک سعادت نسوان»، متوقف می‌شود. آیا دستور ناظر شرعیات بود؟ یا اقدام ناخواسته‌ی خود روشنگر نوع‌دوست؟ بنا به شمس سیاسی در روزگار رو به تباهی و سیاهی استبداد سیاسی، دانسته نیست.

بنفشه مسعودی و ناصر مهاجر، در پژوهش پیگیرانه و دقیق خود درباره‌ی مجله‌ی «پیک سعادت نسوان» برای نخستین بار در حوزه‌ی پژوهشی نشریه‌های زنان ایران، به این نکته‌ی تاکنون پنهان مانده دست یافته‌اند که «در اردیبهشت ۱۳۰۹، مجله‌ی پیک سعادت نسوان باز چهره نمود.»

آنان پس از یافتن «سرنخی» از این شماره‌ی مجله‌ی «پیک سعادت نسوان» به این ارزیابی رسیده‌اند که «این پدیداری جای تردید نمی‌گذارد که روشنگر نوع‌دوست از اندیشه‌ی انتشار مجله دست‌نشته بود و در پی مجال مناسبی بود تا کار از سر گیرد و به سهم خود فراشد بیداری و آگاهی زنان گیلانی و ایرانی را گامی پیش‌تر برد. اینکه بانو نوع‌دوست با چه توجیه و تدبیری توانست اجازه‌ی «شماره‌ی اول، سال

دوم» را بگیرد، در حاله‌ای از ابهام است. حتا به یقین نمی‌دانیم که در پی آن شماره‌ی اولِ دوره‌ی دوم، شماره‌ی دومی هم به انتشار رسید یا نه! پاسخ به این پرسش هرچه باشد، یک نکته محرز است و آن اینکه کوشش بانو نوع‌دوست و همکارانش برای زنده نگه‌داشتن پیک به فرجام دلخواه نرسید. این مجله نیز به سرنوشت ده‌ها نشریه‌ی دیگر گرفتار آمد که با شدت‌یابی دم‌افزون استبداد رضاشاهی، تا همیشه از دنیای مطبوعات ایران رخت بر بستند.»

اکنون و نزدیک به هشتاد و پنج سال پس از خاموشی «شمع ضعیف» مجله‌ی «پیک سعادت نسوان»، بنفشه مسعودی و ناصر مهاجر، نسخه‌ای از اصل هر شش شماره بدست آورده‌اند، پیشگفتار یا درآمد دقیق و روشنگرانه‌ای نوشته‌اند، توضیحات ریز و آگاه‌گرانه داده‌اند برای هر شماره و این مجموعه را منتشر کرده‌اند با همان قطع و طرح روی جلد خود مجله‌ی «پیک سعادت نسوان»، به همان شکل هشت دهه پیش از این.

کند و کاو دقیق و نکته‌سنجی ویراستاران در بازخوانی سندها و روایت‌ها، ارزیابی آنان از نقش «فرقه‌ی کمونیست ایران» در برانگیختن «اندیشه‌های پیشرو»، دریافت آنان از چند و چون پیوند واقعی یا مفروض تشکلهای زنان و «جرگه‌های فمینیستی» با «فرقه‌ی کمونیست ایران»، ارزیابی از دیدگاه‌ها و برنامه‌های انجمن‌ها و نشریه‌های زنان، نشانگر گسست روشنیست از نگاه و روش غالب در بررسی تاریخ و تاریخ‌نویسی پیرامون جنبش زنان ایران، پیش گذاشتن پرسش‌های تازه، و (با احتیاط می‌نویسم) گشودن روزن تازه‌ای برای نگرستن به گذشته و به اکنون خود:

روزنی برای بازخوانی و بازاندیشی پیشینه، سرشت و چند و چون بُرشی از تاریخ جنبش برابری‌خواهی زنان ایران؛ روزنی تازه برای بازخوانی نقش جنبش چپ و کمونیستی در جنبش برابری‌خواهی زنان ایران و چند و چون پیوند آن، دیگر اینکه با روشن کردن هویت «فاطمه» - به عنوان نمونه - و نیز نشان دادن نقش مردان همکار مجله‌ی «پیک سعادت نسوان» - باز به عنوان نمونه - گوئی ناگفته فراخوانده‌اند به درنگ و بازاندیشی در پاره‌ای گزاره‌های نامحتاط درباره‌ی «زبان زنانه»ی نشریه‌های زنان. بگذریم که نام و قلم زنانه هم به خودی خود به معنای گسست از فرهنگ و زبان پدرسالار و مردسالار نیست.

بنفشه مسعودی و ناصر مهاجر در ارزیابی و نقد روایت‌های غالب، می‌گویند: این درست است که شماری از زنان عضو یا هوادار فرقه‌ی کمونیست ایران، نقش به‌سزائی در پیدایش و گردش کار جرگه‌های زنان

داشتند و به همین اعتبار با اعضای فرقه «مربوط بودند»، اما ارتقاء سطح این ارتباط به مناسبات تشکیلاتی میان جرگه‌ها و فرقه، بزرگ‌نمائی و گزافه‌گویی است. آن‌ها با بررسی برنامه‌ی مصوب کنگره‌ی اول فرقه‌ی کمونیست در تیرماه هزار و دویست و نود و نه (۱۲۹۹) خورشیدی و «تزه‌ای» مصوب کنگره‌ی دوم در شهریور هزار و سیصد و شش (۱۳۰۶) خورشیدی (یک ماه پیش از انتشار مجله‌ی پیک سعادت نسوان) می‌گویند: در «برنامه» و «تزه‌ها» طرح یا پیشنهادی درباره‌ی بهبود وضعیت «جنس دوم» و «حقوق اولیه نسوان» دیده نمی‌شود. هرچند که در «برنامه» خواست «منع کار شبانه برای نسوان و اطفال»، بیان شده است.

آنان افزوده‌اند که فرقه‌ی کمونیست در پراکندن «اندیشه‌های پیشرو»، برانگیختن زنان به کنش اجتماعی و سیاسی و پیوستن آن‌ها به جنبش‌ها و جرگه‌های عدالت‌جو و آزادی‌خواه، نقشی انکارناپذیر ایفا کرد؛ اما آن‌ها که به «اوضاع اسفناک و رقت‌آور حیاتی و معارفی نسوان ایران» پرداختند، «سلطه‌ی نفوذ ظالمانه‌ی عادات و آداب و رسوم» را هویدا ساختند و «احتیاجات نسوان» وطن را برشکافتند، جرگه‌های فمینیستی بودند.

بنفشه مسعودی و ناصر مهاجر، در ارزیابی از مجله‌ی «پیک سعادت نسوان» هم بر این نظراند که پیک سعادت نسوان، گرچه نخستین نشریه‌ی زنانه‌ی چپ‌گرای ایران بود؛ اما نشریه‌ی چپ‌رو نبود. جهان‌نگری‌اش از مارکسیسم روسی دور بود. پیرو شوروی هم نبود. نقطه‌ی حرکتش واقعیت‌های جامعه‌ی ایران بود. از واقعیت‌ها حرکت می‌کرد تا رفته رفته آگاهی را بر ذهن‌ها بیافشاند و دستیابی به «تمدن ایرانی» و آرمان والای انسانی را ممکن سازد. این راه را هم محافظه‌کارانه پیمود. هم از این رو به مقولاتی چون حجاب اسلامی و معنای نمادین آن پرداخت و از پدیده‌ی شوم چند همسری پرده برداشت. در حالی که هفت ماه پیش از آنکه خود پدید آید (مهر ۱۳۰۶) دولت شوروی طرح «هجوم» را در قفقاز و آسیای مرکزی به اجرا گذاشته بود (۱۷ اسفند ۱۳۰۵) که بن‌مایه‌اش کشف حجاب اجباری بود... الگویی که دولت رضاشاه آن را در دی ماه ۱۳۱۴، سر و گوش و دم بریده به کار بست.

بنفشه مسعودی و ناصر مهاجر پس از اشاره به خاموشی شمع «پیک سعادت نسوان»، می‌گویند «اما آن‌ها که پیام پیک سعادت نسوان و «پیک»‌های زنانه‌ی تجددخواه پیشین را دریافته بودند، برای پیشرفت زن ایرانی، راه یافتن او به فضای همگانی، بیداری اجتماعی، برابری حقوقی و دگردیسی مناسبات جنسیتی از تلاش دست‌نشدند. این تلاش در متن تجدد آمرانه‌ی رضاشاهی، زمینه‌ساز خرده گام‌های دولت جهت گونه‌ای مشارکت

زنان در برخی نهادهای شهری شد».

می توان گفت در متن دگرگونی‌های فرهنگی و اجتماعی و سیاسی و در دوره‌ی چرخش تاریخی برافتادن قاجار و برآمدن رضاشاه پهلوی، گرایشها و جنبشهای برابری خواهانه‌ی زنان ایران، در رویارویی با دور تازه‌ای از جدال «کهنه» و «نو»، از سه سرچشمه‌ی دگرگونی‌های فکری و سیاسی، بهره‌مند بودند.

نخست از سرچشمه‌ی اندیشه‌ی انتقادی پیش از مشروطه، نقد پایه‌های فکری کهن و مناسبات سنتی، و گشودن چشماندازها و ایده‌آل‌های نو، میراث فکری میرزا آقاخان کرمانی، میرزا فتحعلی آخوندزاده، دوم، هم از ادبیات انتقادی و هم از دیدگاه‌های نوین سیاسی دوران مشروطه و پس از آن. نقد سنت در شعر بهار، ایرج میرزا، عارف قزوینی و میرزاده‌ی عشقی. در سیاست، تبلیغ برنامه‌ی «حزب دموکرات ایران»، با گرایش سوسیال دموکراسی پیرامون «انتخابات عمومی و مساوی»، «انفکاک کامل قوه سیاسی از قوه روحانیه» و «توجه مخصوص در تربیت نسوان». پیشنهاد حق رای زنان در مجلس دوم آن هم از طرف بزرگان مسلمان باورمند نماینده‌ی همدان. با مخالفت شدید مدرس و با استناد به باورهای مذهبی، گفت و گو پیرامون حق رای زنان خاتمه یافت. سوم روندها و پروژه‌های تازه تجدخواهی. نقش نشریه‌های چون «ایران‌شهر»، «کاوه» و «آینده» و نیز برنامه‌های تجدخواهانه‌ی گرایشها و گروه‌های سیاسی، «حزب سوسیالیست»، «حزب تجدد»، «حزب رادیکال» و انجمن «ایران جوان». انجمن «ایران جوان» در برنامه‌ی خود در آغاز سده‌ی کنونی، خواهان فرستادن دختران به اروپاست برای تحصیل. در پروژه‌های تجدد، برپائی «دولت مقتدر مرکزی» برای دستیابی به پیشرفت، ضرورت بی‌چون و چرا تلقی می‌شود. خواست تجدد و اشتیاق و امیدواری برخاسته از چشمانداز دستیابی به پیشرفت، گروه‌های بزرگی از طبقه‌ی متوسط جدید شهری را به دایره‌ی کوششهای فکری و اجتماعی و سیاسی کشاند. گرایشها و گروه‌های زنان تحول‌خواه و برابری‌طلب پیشین جان تازه گرفتند، گروه‌های تازه پدید آمدند، همسوئی و همپوشی با نظم سیاسی نوین در حال استقرار، طبیعی می‌نمود. در فاصله‌ی سال‌های ۱۲۹۷ تا ۱۳۰۶ خورشیدی انجمن‌ها و نشریه‌های گوناگون بدست زنان ایرانی پایه‌گذاری شد. اما دوره‌ی نشریه‌های مستقل، کوتاه است. در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۰۴ تا ۱۳۲۰ خورشیدی شمار نشریه‌های ایران از ۱۵۰ نشریه و روزنامه به ۵۰ نشریه کاهش می‌یابد. سانسور دولتی، عامل اصلی این کاهش است. انجمن‌ها و نشریه‌های زنان هم در امان نبودند. هم‌زمان با روند تکوین ساخت دولت مدرن مطلقه،

انجمن‌ها و نشریه‌های زنان همسو با برنامه‌های دولت نیز به حاشیه رانده شدند. با تاسیس نهاد دست ساخت دولت، یعنی «کانون بانوان»، در سال ۱۳۱۴ خورشیدی، حتی «زنان اصلاح‌طلب طرفدار حکومت نظیر نویسندگان [مجله‌ی] عالم نسوان، توانائی هدایت اصلاحات را از دست دادند و خاموش شدند. تا وقتی دولت ضعیف بود، زنان اصلاح‌طلب، همانند دوره قاجار، می‌توانستند خواسته‌های خود را از طریق نشریات زنان بیان کنند. اما وقتی دولت در زمان رضاشاه قدرت یافت و خواسته‌های زنان تا اندازه‌ای برآورده شد، این آزادی بیان نیز به طور کلی به حالت تعلیق درآمد.» (یاسمین رستم کلایی. برنامه گسترده برای زنان ایران «نو»)

مجله‌ی «پیک سعادت نسوان»، در همان سال‌های نخست سلطنت رضاشاه، از ادامه‌ی کار بازماند.

بنفشه مسعودی و ناصر مهاجر پس از اشاره به خاموشی شمع مجله‌ی «پیک سعادت نسوان» می‌نویسند: «هرچه بود در آن سال ۱۳۰۷، تتمه‌ی روزنامه‌هایی که هوادار تجدیدی همه سویه بودند و آزادی‌خواه و چپ‌گرا یکی پس از دیگری نیست و نابود شدند. (ستاره ایران، کیمیا، آینده، فروغ...). آن‌ها که از پهنه‌ی مطبوعات کشور پا پس نکشیدند و خاموشی برنگزیدند، به دست پلیس رضاشاهی خفه شدند. برجسته‌ترین نمونه‌اش فرخی یزدیست و طوفانش که به سرنوشت واعظ قزوینی گرفتار آمد و میرزاده عشقی.

بنفشه مسعودی و ناصر مهاجر از سال ۱۳۸۵ که «رد پای پیک سعادت نسوان» را یافته‌اند به جستجو برآمده‌اند، تا هر شش شماره‌ی مجله را بدست آورند. مجله‌هایی که «خاک و چرک هشتاد ساله زرد رخسارشان کرده و تیره». خاک را رفته‌اند، تیره‌گی‌ها را زدوده‌اند و برگ برگ پیک‌ها را پاک کرده‌اند، اشتباه‌های چاپی را فهرست‌وار روی کاغذ آورده‌اند، با پیشگفتاری روشنگرانه و توضیح‌های آگاهی دهنده برای هر شماره، مجموعه‌ای با قطع و شکل و شمایل «پیک سعادت نسوان» در ۳۲۵ صفحه، فراهم آورده‌اند برای کوشندگان و علاقمندان جنبش برابری‌خواهی زنان ایران، برای دوستداران کتاب و کتابت.

بنفشه مسعودی و ناصر مهاجر، شناخت تاریخی‌کوشش فکری و فرهنگی زنان روشنفکر و برابری‌خواه گیلان و شناخت روند آغاز و پایان «پیک سعادت نسوان» را امری ضروری دیده‌اند برای «کار بازسازی و بازنگری تاریخی‌کوشی یک سده پیکار حق‌خواهانه‌ی زن ایرانی که هنوز ثبت نشده و سخت مورد نیاز است». آنان در پژوهش خود برای شناخت و معرفی «پیک

سعادت نسوان»، نگاه کرده‌اند و مراجعه کرده‌اند به ۷۲ کتاب مرجع در باب تاریخ و فرهنگ معاصر ایران، به ۱۰ کتاب به زبان انگلیسی، به ۲۱ نشریه و مجله‌ی قدیمی، به ۱۱ زندگینامه و به نوشته‌ها و مقاله‌های پژوهشی در ۱۵ سایت اینترنتی.

بنفشه مسعودی، گילה زن در تبعید، در این همکاری با ناصر مهاجر، گوئی هم ادای دین و احترام کرده است به پیشینه و پیشگامی «خواتین منورالفکر» گیلان در سیر تکاپوی برابری‌خواهی زنان ایران و هم نمونه‌ای بدست داده است بار دیگر از اراده و توان زن امروزی ایرانی در جدال با سختی‌های کار ظریف و صبورانه‌ی پژوهشی.

مدیرچاپخانه‌ی مرتضوی در کلن آلمان، باقر مرتضوی، با همت بلند خود برای چاپ مجموعه‌ی «پیک سعادت نسوان»، کوشش بسیار کرده است. باقر مرتضوی برای تهیه‌ی کاغذ و جلد این مجموعه، همسان و هم رنگ خود مجله‌ی هشتاد و پنج سال پیش، ابتکار فنی را همراه کرده است با حوصله‌ی بسیار و اکنون، مجموعه‌ی «پیک سعادت نسوان»، با طرحی چشم نواز، هدیه می‌شود به دوستداران جنبش برابری خواهی زنان ایران.

چهارشنبه ۷ مارس ۲۰۱۲

۱۷ اسفند ماه ۱۳۹۰